

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۸۴

بررسی سیاستهای حمایتی برنج در ایران

دکتر کیومرث نوری*

چکیده

برنج محصولی راهبردی و در دو دهه اخیر یکی از مهمترین محصولات وارداتی کشاورزی کشور بوده است. اخلاهای موجود در سیاستگذاری از تبدیل شدن ظرفیتهای بالقوه تولید این محصول به بالفعل جلوگیری کرده است. هدف از مقاله حاضر بررسی حمایتهای انجام شده از این محصول است. لذا با بررسی تعرفه و محاسبه حمایت قیمتی بازار و حمایت نهادهای، وضعیت حمایت از گروههای عمده برنج (برنج دانه بلند مرغوب، برنج دانه بلند پرمحصول، برنج دانه متوسط مرغوب و برنج دانه کوتاه) بررسی می شود. این تحقیق بر اساس آمار و اطلاعات طرح هزینه تولید وزارت جهاد کشاورزی طی دوره ۱۳۷۳-۸۰ به اجرا درآمده است. بررسی تعرفه، به عنوان سیاست محدودکننده واردات، در خصوص برنج نشان می دهد که این سیاست کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. حمایت قیمتی بازار از گروههای عمده برنج در دو استان گیلان و مازندران نشان می دهد که در استان گیلان بالاترین حمایت قیمتی بازار متعلق به برنج دانه بلند مرغوب است. میزان تولید و سطح زیرکشت این گونه از برنج نیز

* عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی

e-mail: k_noori@yahoo.com

در حال افزایش می‌باشد. در استان مازندران دو گونه دانه بلند (مرغوب و پرمحصول) بیشترین حمایت‌های قیمتی و برنج دانه بلند مرغوب بیشترین سهم تولید این استان را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، برنج دانه بلند پرمحصول به دلیل بیشتر مصرف کردن نهاده‌ها در هر هکتار از حمایت نهاده‌ای بیشتری برخوردار شده است. اما به دلیل آنکه سطح زیرکشت برنج دانه بلند مرغوب در هر دو استان بیشتر از گروه‌های دیگر بوده، در کل حمایت نهاده‌ای (و در نتیجه یارانه نهاده‌ای) بیشتر به این نوع برنج اختصاص یافته است.

کلید واژه‌ها:

سیاست‌های حمایتی، حمایت قیمتی بازار، حمایت نهاده‌ای، تعرفه، برنج، ایران

مقدمه

بخش کشاورزی به دلایل مختلف و داشتن ویژگی‌های خاص، در جهان از حمایت و سیاست‌های حمایتی مختلفی برخوردار گردیده است. مجموعه این ویژگی‌ها و حمایت‌های گسترده باعث شده است بخش کشاورزی تا مدت‌ها از مباحث موافقتنامه گات کنار گذاشته شود، زیرا حساسیت‌های موجود در بخش کشاورزی از ابتدا رفتار ویژه‌ای را می‌طلبد. سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نیز متفاوت بوده است به نحوی که کشورهای توسعه‌یافته با سیاست‌های مشخص و هدفمند، حمایت گسترده‌ای از این بخش کرده‌اند، اما سیاست‌های کشورهای در حال توسعه عمدتاً منجر به حمایت منفی و یا عدم حمایت قابل توجه شده است.

برنج محصولی راهبردی در قاره آسیا، کشورهای در حال توسعه و بویژه ایران است. تقریباً ۹۰ درصد تولید و مصرف این محصول در قاره آسیا انجام می‌شود که ۹۶ درصد آن مربوط به کشورهای در حال توسعه است. در زمان حاضر ایران یکی از مهمترین واردکنندگان برنج به شمار می‌آید (USDA, 2001). ظرفیتهای بالقوه موجود در سه استان شمالی کشور در تولید برنج، حتی تا مرز خوداتکایی، این باور را تقویت می‌کند که با سیاستگذاری مناسب می‌توان به این مهم دست یافت.

... بررسی سیاستهای

در این مقاله وضعیت موجود حمایت از تولید این محصول راهبردی بررسی می‌شود. بدین منظور حمایت قیمتی بازار و حمایت نهاده‌ای در هر هکتار و کل سطح زیرکشت در دو استان گیلان و مازندران با تأکید بر آمار و اطلاعات طرح هزینه تولید وزارت جهاد کشاورزی برای گروه‌های عمده برنج محاسبه می‌شود تا اطلاعات مناسبی برای سیاستگذاری آگاهانه‌تر فراهم شود.

سابقه تحقیق

در این بخش به طور خلاصه مطالعاتی مورد اشاره قرار می‌گیرد که حمایت در بخش کشاورزی را بررسی کرده‌اند. در تحقیقی (Tizhoosh Taban, 1978) که جزو اولین تحقیقات در خصوص حمایت به شمار می‌رود، این گونه نتیجه‌گیری شده است که بخشهای کشاورزی و دامپروری با حمایت منفی روبه‌رو بوده‌اند. در این تحقیق بیان شده است که منفی بودن حمایت از این بخشها تأکیدی بر تحمیل مالیات بر آنها در فرایند اجرای سیاستهای جایگزینی واردات بوده است. در این تحقیق حمایت اسمی برای کشاورزی و دامپروری به ترتیب ۲ و ۰ درصد و حمایت مؤثر ۴- و ۵- درصد محاسبه شد.

نتایج تحقیق قربانی (۱۳۷۱) نشان می‌دهد که حمایت مؤثر از گوشت گوسفند، گاو، مرغ، تخم‌مرغ و پنیر بین ۰/۰۸ تا ۰/۷۲ درصد بوده است. این بررسی نشان می‌دهد که تک‌نرخ شدن ارز به تولیداتی که نهاده‌های آنها بیشتر وارداتی است، زیان وارد می‌کند و حمایت را از آنها کاهش می‌دهد.

رحیمی (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای پرداخت یارانه‌های مختلف دولت از جمله تخصیص ارز به نهاده‌های وارداتی را بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهد که مرغداران صنعتی در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ بیشترین حمایت را در زیربخش دام (۶۱/۲ درصد) به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که سهم دامداران صنعتی با ۷۱/۱ درصد از ارزش افزوده زیربخش تنها ۱۳/۴ درصد بوده است.

سیاستهای حمایتی و پیامدهای آن در ایران توسط محققان مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (رازینی رحمانی و همکاران، ۱۳۸۱) در مورد بخشهای مختلف اقتصادی بررسی شده است. در این تحقیق حمایت کل داخلی (AMS)، حمایت قیمتی، حمایتهای بازرگانی اعم از تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای تعدادی از محصولات کشاورزی اساسی طی سالهای ۱۳۶۶-۷۵ بررسی گردیده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ میزان حمایت کل برای دو محصول گندم و چغندر قند منفی و برای شلتوک، پنبه، نخود و سیب‌زمینی مثبت بوده است.

رفاهیت و همکارانش (۱۳۷۹) در تحقیق دیگری حمایت قیمتی از محصولات کشاورزی با نرخ آزاد ارز را محاسبه کردند و نتیجه گرفتند که از محصولات مورد بررسی (گندم، برنج، جو، ذرت، پنبه، نخود، چغندر قند، سیب‌زمینی، پیاز و ...) با نرخ آزاد ارز حمایت منفی شده است. به عبارت دیگر، دولت با اتخاذ سیاست قیمت تضمینی نه تنها از تولیدکنندگان داخلی حمایت نکرده بلکه مالیات پنهان از تولیدکنندگان دریافت کرده است. دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان داخلی ممکن است به مفهوم پرداخت یارانه غیرمستقیم به تولیدکنندگان خارجی نیز باشد.

حمایت‌های نهاده‌ای در ایران عمدتاً از طریق ارزانتر توزیع کردن کود شیمیایی، سم و علفکشها صورت می‌پذیرد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که حمایت کل (مجموع جمع جبری حمایت قیمتی و حمایت نهاده‌ای) در مورد بیشتر محصولات منفی بوده است. به عبارت دیگر در کل، حمایتی از بخش کشاورزی در نتیجه حمایت قیمتی و نهاده‌ای انجام نشده است (سلامی، ۱۳۷۷). هر چند در مطالعه رفاهیت و همکارانش براساس دستورعمل محاسبه حمایت کل، به دلیل صفر در نظر گرفتن حمایت‌های منفی (حمایت قیمتی منفی)، نشان داده شد که حمایت کل از بخش کشاورزی مثبت است، اما در عمل کشاورزان به دلیل سیاست قیمتگذاری نامناسب، با مالیات پنهان و در نتیجه حمایت منفی روبه‌رو بوده‌اند (رفاهیت و همکاران، ۱۳۷۹).

بررسی سیاستهای ...

کمیجانی و همکارانش (۱۳۸۰) در محاسبه معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای تعدادی از محصولات کشاورزی و مقایسه آن با محدودیتهای تعرفه‌ای اعمال شده بر این محصولات نشان دادند که اولاً معادل تعرفه‌ای قریب به اتفاق محصولات کشاورزی منفی است که این امر خود نشانه عدم حمایت از بخش کشاورزی توسط نظام تجاری می‌باشد به نحوی که حتی مالیات پنهان نیز نتیجه این گونه سیاستها بر بخش کشاورزی بوده است. ثانیاً با توجه به تعداد موانع غیر تعرفه‌ای، تقریباً از موانع تعرفه‌ای استفاده مطلوب نشده است. در این مطالعه نشان داده شده است که معادل تعرفه‌ای بر حسب نرخ حمایتی ارز برای کلیه محصولات، به غیر از موز، و در اغلب سالها منفی بوده است. اما با نرخ رسمی ارز، که به طور مصنوعی پایین نگه داشته شده بود، معادل تعرفه‌ای در اغلب سالها و برای اکثر محصولات مثبت بوده است. حال چنانچه نرخ آزاد ارز مدنظر باشد، همان طور که موردنظر موافقتنامه کشاورزی نیز هست، در اغلب سالها واردات محصولات تقریباً بدون وجود مانعی صورت گرفته و حتی به نحوی حمایت از واردات نیز به وقوع پیوسته است.

به طور کلی مطالعات انجام شده در خصوص حمایت از بخش کشاورزی در ایران نشان می‌دهد که دولت با هدف حمایت از تولیدات بخش، سیاستهایی را به اجرا در آورده است، اما همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در مجموع این سیاستها در حمایت مؤثر از بخش موفق نبوده‌اند.

حمایت از برنج در سایر کشورها

قبل از آنکه به بررسی وضعیت حمایت از برنج در ایران بپردازیم بهتر است که وضعیت حمایتی این محصول را در چند کشور بررسی کنیم. جدول ۱ شاخصهایی را درباره وضعیت حمایت برنج در چند کشور نشان می‌دهد.

شاخص درصد برآورد حمایت تولیدکننده (PSE)^۱، که نشاندهنده سهم انتقال سیاستهای کشاورزی از دولت و مصرف کنندگان در درآمد تولید کنندگان کشاورزی است،

1. producer support estimate (PSE)

در کشورهای عضو سازمان OECD معادل ۸۱ بوده است. به عبارت دیگر، انتقال حاصل از سیاستهای کشاورزی ۸۱ درصد درآمدهای برنجکاران را تشکیل داده است؛ یعنی حمایت بسیار زیادی از این محصول شده است. در این زمینه ژاپن با ۸۷ درصد و کره جنوبی با ۸۱ درصد طی دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۱ بیشترین درصد PSE را داشته‌اند (OECD, 2002).

ضریب حمایت اسمی تولیدکننده (NPCP)^۱ شاخصی است که نرخ اسمی حمایت از تولیدکنندگان را بیان می‌دارد. این شاخص با نسبت متوسط قیمت دریافتی تولیدکنندگان (در سطح مزرعه) به قیمت مرزی (اندازه‌گیری شده در سر مزرعه) محاسبه می‌شود. شاخص NPCP برای کشورهای عضو سازمان OECD حدود ۴/۹۱ است و نشان می‌دهد که قیمت دریافتی برنجکاران این سازمان ۴/۹۱ برابر قیمت سر مرز است؛ به عبارت دیگر نشاندهنده نقش سیاستهای حمایتی در این کشورهاست. بیشترین NPCP در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۱ مربوط به ژاپن (۷/۳۱) و سپس کره جنوبی (۵/۱۶) بوده است. NPCP ایالات متحده آمریکا، که در تولید و صادرات برنج نقش مهمی در بازار این محصول استراتژیک دارد، معادل ۱/۴۵ است که نشان می‌دهد قیمت دریافتی کشاورزان آمریکایی ۴۵ درصد بیشتر از قیمت سر مرز آن است (همان منبع). دیگر شاخص مهم، ضریب کمک اسمی تولیدکننده (NPCP)^۲ است که نرخ اسمی کمک به تولیدکنندگان را نشان می‌دهد. این شاخص با نسبت ارزش درآمدهای ناخالص محصول، که شامل حمایتها نیز هست، به ارزش درآمدهای ناخالص محصول بر حسب قیمتهای بازار جهانی بدون منظور کردن حمایتها اندازه‌گیری می‌شود. شاخص NACP در کشورهای عضو OECD معادل ۵/۱۹ می‌باشد بدین معنا که درآمد ناخالص برنجکاران عضو این سازمان با لحاظ کردن حمایتها ۵/۱۹ برابر درآمد کشاورزان بدون لحاظ کردن حمایتها بوده است. بیشترین شاخص NACP در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۱ به ژاپن (۷/۶۸) و کره جنوبی (۵/۳۲) تعلق داشته است. مقدار NACP برنجکاران آمریکا نیز در این دوره برابر ۱/۷۲ بوده است که حکایت از برخورداری کشاورزان از ۷۲ درصد درآمد ناخالص بیشتر نسبت به حالت بدون حمایت دارد.

1. producer nominal protection coefficient (NPCP)

2. producer nominal assistance coefficient (NACP)

در کل، ملاحظه می‌شود که سیاستهای حمایتی کشورهای عضو OECD برای محصول برنج بسیار قابل توجه بوده و برنجکاران از حمایت مؤثر و مناسبی برخوردار بوده‌اند (همان منبع).

جدول ۱. برآورد حمایت از تولیدکنندگان برنج در چند کشور عضو OECD

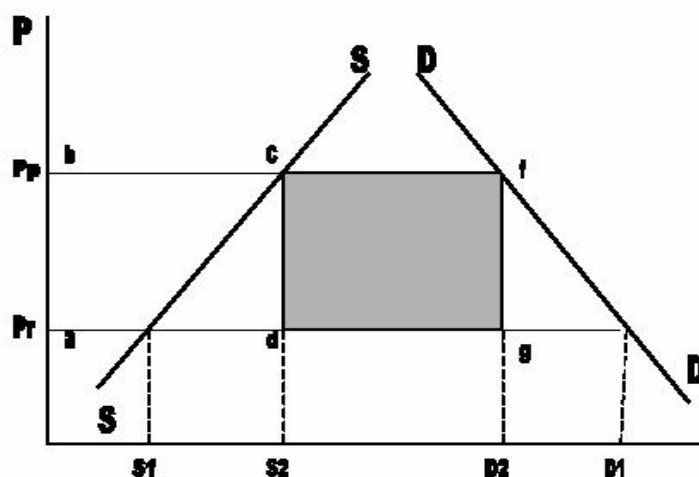
(درصد)

کشور	شاخص	۸۸-۱۹۸۶	۲۰۰۱-۱۹۹۹	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
کشورهای عضو OECD	PSE	۸۱	۸۱	۷۹	۸۲	۸۱
	NPCP	۴/۹۱	۴/۹۱	۴/۴۵	۵/۲۸	۵/۰۱
	NACP	۵/۲۲	۵/۱۹	۴/۷۴	۵/۵۴	۵/۲۹
اتحادیه اروپا	PSE	۳۵	۲۴	۱۶	۱۱	۴۳
	NPCP	۲/۴۶	۱/۱۵	۰/۹۹	۰/۹۲	۱/۵۴
	NACP	۲/۲۶	۱/۳۶	۱/۲۰	۱/۱۳	۱/۷۷
استرالیا	PSE	۱۷	۶	۶	۶	۵
	NPCP	۱/۱۳	۱/۰۲	۱/۰۲	۱/۰۲	۱/۰۲
	NACP	۱/۲۲	۱/۰۶	۱/۰۷	۱/۰۶	۱/۰۶
ژاپن	PSE	۸۴	۸۷	۸۷	۸۸	۸۶
	NPCP	۵/۸۱	۷/۳۱	۷/۲۰	۷/۶۹	۷/۰۳
	NACP	۶/۲۰	۷/۶۸	۷/۶۵	۸/۰۴	۷/۳۵
کره جنوبی	PSE	۸۲	۸۱	۷۷	۸۴	۸۱
	NPCP	۵/۵۹	۵/۱۶	۴/۱۵	۶/۲۲	۵/۰۹
	NACP	۵/۶۲	۵/۳۲	۴/۲۶	۶/۳۹	۵/۳۲
مکزیک	PSE	-۳۱	۳۱	۲۵	۳۵	۳۲
	NPCP	۰/۶۶	۱/۲۸	۱/۱۹	۱/۳۶	۱/۲۸
	NACP	۰/۶۷	۱/۴۵	۱/۳۳	۱/۵۳	۱/۴۸
ایالات متحده آمریکا	PSE	۵۲	۴۱	۳۷	۴۰	۴۷
	NPCP	۱/۴۵	۱/۴۵	۱/۳۱	۱/۴۳	۱/۶۱
	NACP	۲/۲۱	۱/۷۲	۱/۵۹	۱/۶۸	۱/۸۸

مأخذ: منبع شماره ۷

نحوه محاسبه حمایت قیمتی بازار (MPS)^۱

برای محاسبه MPS کشوری را در نظر بگیرید که دارای موانع مرزی است و نمایندگیهای خرید و فروش دولتی در امر واردات و خرید و فروش در بازار داخلی عمل می کنند تا قیمت داخلی یک محصول بالاتر از قیمت مرزی آن نگهداشته شود. نمودار ۱ نشان می دهد که تولید داخلی (S_2) و واردات ($D_2 - S_2$) در بازار داخلی با متوسط قیمت تولید کننده (P_p) به فروش می رسد. انتقال، که به دلیل MPS یک محصول خاص صورت می گیرد، برابر سطح $abcd = (P_p - P_r) S_2$ است (Portugal, 2000).



نمودار ۱. حمایت قیمتی بازار برای یک محصول وارداتی

هنگامی که هدف، انتقال از طریق MPS به کشاورزان باشد، هزینه های دیگری نیز به وجود می آید که اکثرشان به صورت هزینه های عملیاتی مربوط به نمایندگیهای خرید و فروش دولت، ضایعات، ذخیره سازی یا هزینه های مربوط به ذخیره سازی عمومی می باشد. این انتقال گرچه در ایجاد اختلاف قیمت دریافتی برای کشاورزان مؤثر است، اما به طور مستقیم به

1. market price support (MPS)

... بررسی سیاستهای

کشاورزان انجام نمی‌شود. بدین ترتیب این گونه انتقال مربوط به خدمات عمومی ارائه شده به کشاورزان است و در GSSE^۱ قسمت بازاریابی و توسعه بازار (هنگامی که هزینه‌های عملیاتی مربوط به نمایندگیهای خرید و فروش دولتی است) و ذخیره‌سازی عمومی (هنگامی که هزینه مربوط به ضایعات انبار و هزینه‌های ذخیره‌سازی است) منظور می‌شود (OECD, 2001).

تعرفه برنج

برای واردات محصولات کشاورزی مبالغی تحت عنوان حقوق گمرکی، سود بازرگانی و گاهی عوارض دریافت می‌شود. واردات برنج نیز مشمول پرداخت این موارد می‌شود که در کل تعرفه برنج را تشکیل می‌دهد. بررسی حقوق گمرکی و سود بازرگانی برنج در سالهای ۱۳۷۰-۸۲ نشان می‌دهد که از تعرفه به عنوان یک ابزار حمایتی در کشور برای حمایت از تولید برنج استفاده نگردیده است. جدول ۲ وضعیت حقوق گمرکی و سود بازرگانی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. حقوق گمرکی و سود بازرگانی برنج طی دوره ۱۳۷۰-۸۲ (درصد)

شرح	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
حقوق گمرکی	۵	۵	-	-	-	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۴*
سود بازرگانی	۵	۵	۵	۵	۵	۳	۳	۳	۱۰	۱۰	۱۰	۲	۴۶
حقوق گمرکی و سود بازرگانی	۱۰	۱۰	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱۲	۱۲	۱۲	۳	۵۰

مأخذ: مقررات صادرات و واردات، سالهای مختلف

* قابل توجه اینکه در سال ۱۳۸۲ حقوق گمرکی به حقوق پایه تغییر نام داد.

مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی در جدول ۲ نشان می‌دهد که در کل، سیاست منسجمی درباره تعرفه در کشور وجود نداشته است، به نحوی که نوسانهای قابل توجهی در

1. general services support estimate (GSSE)

حقوق گمرکی و سود بازرگانی در این دوره ملاحظه می‌شود. در سال ۱۳۸۲ سود بازرگانی افزایش درخور توجهی داشت، اما از آنجا که واردات برنج عمدتاً توسط دولت انجام می‌شود و واردات دولتی از پرداخت سود بازرگانی معاف می‌باشد، نمی‌توان انتظار داشت این سیاست در عمل منجر به حمایت از تولید داخل گردد.

از سوی دیگر برنج جزو محصولات است که توسط دارندگان کارت مبادلات مرزی یا تعاونیهای مرزنیسان قابل ورود به کشور است. از آنجا که در بیشتر سالهای مورد بررسی این گونه واردات از معافیت کامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی برخوردار بوده است، وضع تعرفه و سیاست تعرفه‌ای نیز در مورد این محصول نادیده گرفته شده است. قانون مقررات صادرات و واردات در فهرست کالاهای قابل ورود توسط دارندگان کارت مبادلات مرزی یا تعاونیهای مرزنیسان و شرایط ورود و میزان معافیت گمرکی برنج آنها در این عبارت "برنج خوراکی ۵۰ کیلوگرم برای هر نفر در سال با معافیت کامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی" تصریح گردیده است.

محاسبه حمایت قیمتی بازار

با توجه به توضیحات ارائه شده در بخش مباحث نظری نحوه محاسبه حمایت قیمتی بازار، در ادامه مقاله، حمایت قیمتی بازار برای گروه‌های عمده برنج به تفکیک استانهای گیلان و مازندران محاسبه می‌شود. برای محاسبه قیمت برنج وارداتی به کشور، متوسط قیمت برنج وارداتی بر اساس سالنامه آمار بازرگانی محاسبه و با نرخ بازار آزاد ارز به ریال تبدیل شده است. متوسط قیمت دریافتی کشاورزان نیز بر اساس آمار هزینه تولید وزارت جهاد کشاورزی در هر استان و برای هر گروه برنج محاسبه گردیده است. بدین ترتیب با محاسبه اختلاف قیمت سر مرز (قیمت وارداتی) و قیمت دریافتی کشاورزان، حمایت قیمتی بازار برای هر گروه برنج با توجه به برنج وارداتی تعیین شد. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که برنج وارد شده به کشور به تفکیک گروه‌های عمده برنج گزارش نمی‌شود. از سوی دیگر، منابع آماری معتبر بین‌المللی همچون فائو، بانک جهانی و غیره نیز آمار و اطلاعات مربوط به برنج را به تفکیک

ارقام عمده ارائه نمی‌دهند، از این رو ارقام داخلی برنج با متوسط برنج وارداتی (به عنوان شاهد) مقایسه می‌گردد (با تأیید وجود تفاوت کیفیت بویژه در خصوص برنج دانه بلند مرغوب).

در جدول ۳ ملاحظه می‌شود که تفاوت قیمت برنج دانه بلند مرغوب با برنج وارداتی قابل توجه و سهمی از این تفاوت قیمت مربوط به کیفیت برتر این نوع برنج داخلی است. بدین ترتیب کشاورزان از حمایت قیمتی بازار مثبت برخوردار بوده‌اند که بویژه از سال ۱۳۷۷ به بعد، به دلیل افزایش شدید قیمت‌های داخلی، این نوع حمایتها بیشتر شده است. حمایت قیمتی بازار برای برنج دانه بلند پرمحصول در مقایسه با برنج دانه بلند مرغوب استان به مراتب کمتر است. از سوی دیگر، نوسان در آن نیز بیش از برنج دانه بلند مرغوب می‌باشد. این وضعیت در شرایطی اتفاق افتاده است که سیاستگذاران هدف توسعه کشت ارقام پرمحصول را دنبال می‌کردند.

حمایت قیمتی بازار برای گروه برنج دانه متوسط مرغوب نیز کمتر از برنج دانه بلند مرغوب می‌باشد، در حالی که حمایت قیمتی بازار این گروه بیشتر از گروه برنج دانه بلند پرمحصول است. جدول ۳ نشان می‌دهد که حمایت قیمتی بازار در استان گیلان برای گروه دانه کوتاه کمتر از سایر گروه‌هاست. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در استان گیلان بالاترین حمایت قیمتی بازار متعلق به برنج دانه بلند مرغوب است که تولید و سطح زیرکشت آن در این دوره با افزایش قابل توجه نیز روبه رو بوده است، در حالی که سایر گروه‌ها با کاهش تولید و سطح زیرکشت مواجه بوده‌اند.

جدول ۴ نشان می‌دهد حمایت قیمتی بازار برای گروه برنج دانه بلند مرغوب در استان مازندران نیز بیشتر از سایر گروه‌هاست و دلیل افزایش مجدد تولید این گروه، علی‌رغم تأکید سیاستگذاران بر افزایش تولید و سطح زیرکشت گروه برنج دانه بلند پرمحصول نیز عمدتاً مربوط به افزایش شدیدتر حمایت قیمتی بازار در سالهای پایانی دوره مورد بررسی است. همان طور که اشاره شد، طی سالهای اخیر هدف سیاستگذاران توسعه کشت ارقام پرمحصول بوده است، در حالی که مقایسه حمایت محاسبه شده برای این گروه با برنج دانه بلند مرغوب نشان می‌دهد حمایت قیمتی موجود از گروه برنج دانه بلند مرغوب به مراتب بیشتر بوده است

(هرچند ذکر مجدد این نکته ضروری است که بخشی از اختلاف حمایت قیمتی بازار مربوط به کیفیت بهتر گروه برنج دانه بلند مرغوب بوده است).

سطح زیرکشت و تولید برنج دانه متوسط مرغوب در استان مازندران در مقایسه با دو گروه دانه بلند بسیار اندک می‌باشد. تولید این گروه نیز نوسانهای کاهشی و افزایشی زیادی در دوره مورد بررسی داشته است. محاسبات جدول ۴ نشان می‌دهد که حمایت قیمتی بازار برای هر واحد محصول این گروه بیشتر از گروه برنج دانه بلند پرمحصول بوده است. همچنین طی دوره هشت ساله مورد بررسی، برنج گروه دانه کوتاه در چهار سال دارای حمایت قیمتی بازار منفی بوده است. از سوی دیگر، مجموع حمایت قیمتی بازار طی دوره ۱۳۷۳-۸۰ برای این گروه منفی و به روشنی مبین این موضوع بوده که در استان مازندران حمایت قیمتی بازار مثبت برای این گروه وجود نداشته است.

به طور کلی ملاحظه می‌شود که حمایت قیمتی بازار گروه‌های مختلف برنج در هر دو استان نوسان زیادی داشته است. از آنجا که اصول تعیین حمایت قیمتی بازار استوار بر متغیرهای قیمت وارداتی، قیمت دریافتی کشاورزان و نرخ ارز بوده و در دوره مورد نظر، هر سه متغیر پیشگفته نوسانهای بسیار زیادی داشته‌اند، لذا نوسان شاخص حمایت قیمتی بازار نیز کاملاً مورد انتظار بوده است.

جدول ۳. حمایت قیمتی بازار ارقام برنج گیلان در سالهای ۱۳۷۳-۸۰

(ریال)

سال	دانه بلند مرغوب	دانه بلند پرمحصول	دانه متوسط مرغوب	دانه کوتاه
۱۳۷۳	۷۴۹	۲۹۵	۳۶۴	۱۶۴
۱۳۷۴	۱۸۱۶	۹۰۱	۱۳۲۵	۸۶۴
۱۳۷۵	۳۹۱	-۴۵۹	۴۳	-۳۸۰
۱۳۷۶	۷۷۱	۵۸	۴۳۰	۱۸۲
۱۳۷۷	۲۸۵۹	۱۲۱۰	۲۳۰۳	۱۳۸۶
۱۳۷۸	۳۷۲۵	۱۷۶۳	۲۶۹۵	۱۶۸۴
۱۳۷۹	۲۱۳۰	۸۱۳	۱۶۰۵	۸۲۰
۱۳۸۰	۲۴۰۲	۱۲۰۶	۱۴۹۹	۱۱۵۵

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۴. حمایت قیمتی بازار ارقام برنج مازندران در سالهای ۱۳۷۳-۸۰

(ریال)

سال	دانه بلند مرغوب	دانه بلند پرمحصول	دانه متوسط مرغوب	دانه کوتاه
۱۳۷۳	۵۸۶	۱۶۰	۲۹۹	-۱۴۶
۱۳۷۴	۱۷۶۴	۸۱۳	۹۷۱	۵
۱۳۷۵	۴۱۷	-۳۵۶	-۱۴۸	-۶۸۶
۱۳۷۶	۷۱۰	۲۸	۳۲۲	-۳۰۰
۱۳۷۷	۲۴۰۰	۸۱۶	۱۱۰۱	۳۵۶
۱۳۷۸	۳۹۸۰	۴۵۳	۱۰۸۸	۶۴۲
۱۳۷۹	۱۹۳۱	۴۷۴	۷۴۳	-۳۲۸
۱۳۸۰	۲۰۷۹	۱۰۰۵	۱۱۰۵	۹۰۵

مأخذ: محاسبات تحقیق

حمایت نهادهای

در این قسمت حمایت نهادهای برای مهمترین نهادهای مورد استفاده کشاورزان، که دولت به آنها یارانه پرداخت می کند، تجزیه و تحلیل می شود. مهمترین نهادهایی که دولت برای آنها یارانه می پردازد عبارتند از: انواع کود شیمیایی، انواع سموم و بذل. در این بخش از مقاله حمایت نهادهای کودهای اوره، فسفات، سایر کودها، سم علفکش و سایر سموم برای گروههای عمده برنج در دو استان گیلان و مازندران محاسبه شده است.

آمار مربوط به قیمت وارداتی نهادهای از سالنامه بازرگانی خارجی استخراج شد. هنگامی که قیمت وارداتی نهادهای از طریق سالنامه بازرگانی خارجی قابل دسترس نبود از معادل آن یعنی قیمت واردات جهانی نهاده مورد نظر، مستخرج از آمار سازمان خواربار و کشاورزی FAO، استفاده شد. قیمت پرداختی کشاورز برای هر یک از نهادهای و مقدار مصرف نهاده در هر هکتار از پرسشنامههای مربوط به طرح هزینه تولید وزارت جهاد کشاورزی، و سطح زیر کشت گروههای عمده برنج نیز از آمارنامه کشاورزی سالهای مختلف این وزارتخانه استخراج گردید.

برای محاسبه حمایت انجام شده در نتیجه مصرف هر یک از نهادهای، ابتدا تفاوت متوسط قیمت وارداتی نهادهای با نرخ آزاد ارز از متوسط قیمت پرداختی کشاورزان محاسبه شد و سپس با ضرب کردن مقدار نهاده مصرفی در هر هکتار در تفاوت قیمت، حمایت به ازای هر هکتار سطح زیر کشت گروههای عمده برنج در هر یک از استانهای گیلان و مازندران

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۵۲

محاسبه گردید. جدولهای ۵ و ۶ وضعیت حمایت از نهاده‌های مذکور را در دو استان طی سالهای ۱۳۷۳-۸۰ نشان می‌دهد.

جدول ۵. حمایت نهاده‌ای ارقام عمده برنج استان گیلان در هکتار
(هزار ریال)

سال	نوع برنج	کود اوره	کود فسفات	سایر کودها	علفکشی	سایر سموم
۱۳۷۳	دانه بلند مرغوب	۶۷/۳	۵/۴	۱/۳	۴۶/۹	۴۷۶/۱
	دانه بلند پر محصول	۱۲۹/۹	۷/۲	۱/۴	۴۶/۹	۶۶۷/۵
	دانه متوسط مرغوب	۶۳/۷	۴/۵	۰/۹	۴۲/۵	۴۸۵/۴
	دانه کوتاه	۵۷/۴	۴/۸	۰/۲	۴۵/۵	۳۵۹/۴
۱۳۷۴	دانه بلند مرغوب	۱۴۴/۱	۶/۵	۸/۹	۸۳/۵	۸۷۱/۰
	دانه بلند پر محصول	۲۱۷/۰	۷/۶	۷/۹	۷۵/۷	۹۷۱/۸
	دانه متوسط مرغوب	۱۳۵/۸	۶/۱	۵/۱	۷۰/۵	۸۲۰/۵
	دانه کوتاه	۱۱۷/۵	۵/۱	۸/۵	۷۵/۷	۵۳۶/۳
۱۳۷۵	دانه بلند مرغوب	۱۳۲/۸	۵/۱	۸/۵	۱۷۶/۴	۵۹۰/۹
	دانه بلند پر محصول	۲۱۴/۹	۷/۰	۳/۰	۱۴۸/۹	۷۱۷/۹
	دانه متوسط مرغوب	۱۴۳/۰	۵/۸	۶/۶	۱۵۹/۹	۵۷۳/۴
	دانه کوتاه	۱۲۰/۵	۳/۸	۸/۷	۱۷۰/۹	۱۷۰/۷
۱۳۷۶	دانه بلند مرغوب	۱۱۹/۹	۲/۲	۱۱/۲	۱۱۱/۳	۸۴۴/۷
	دانه بلند پر محصول	۲۲۷/۴	۴/۲	۴/۵	۱۱۱/۳	۸۷۴/۵
	دانه متوسط مرغوب	۱۱۹/۹	۲/۳	۵/۵	۱۰۱/۲	۵۹۱/۷
	دانه کوتاه	۱۱۲/۸	۱/۸	۵/۲	۹۷/۸	۱۴۱/۴
۱۳۷۷	دانه بلند مرغوب	۱۲۴/۰	۹/۰	۱۵/۱	۱۱۲/۹	۱۲۶۱/۴
	دانه بلند پر محصول	۲۳۰/۴	۱۳/۶	۸/۷	۱۰۹/۳	۱۵۴۰/۳
	دانه متوسط مرغوب	۱۳۱/۲	۹/۶	۸/۴	۹۸/۴	۱۰۹۰/۳
	دانه کوتاه	۱۰۲/۴	۶/۳	۱۱/۹	۱۰۹/۳	۱۹۰/۲
۱۳۷۸	دانه بلند مرغوب	۱۷۰/۱	۹/۶	۳۳/۴	۳۶۹/۲	۸۹۹/۷
	دانه بلند پر محصول	۲۵۱/۴	۱۳/۶	۲۹/۵	۳۵۸/۱	۱۰۲۰/۵
	دانه متوسط مرغوب	۱۶۲/۸	۹/۲	۲۵/۵	۳۳۴/۵	۸۶۹/۵
	دانه کوتاه	۱۵۲/۱	۹/۴	۴۳/۸	۲۹۰/۹	۲۳۶/۷
۱۳۷۹	دانه بلند مرغوب	۲۰۹/۸	۳/۱	۳۶/۹	۳۴۹/۸	۱۰۸۴/۴
	دانه بلند پر محصول	۲۵۴/۷	۴/۳	۲۹/۱	۳۱۷/۰	۱۶۷۲/۱
	دانه متوسط مرغوب	۱۸۱/۱	۳/۸	۳۱/۹	۳۰۶/۱	۱۲۶۶/۳
	دانه کوتاه	۲۰۱/۱	۲/۹	۹۹/۶	۳۳۸/۹	۹۹۳/۵
۱۳۸۰	دانه بلند مرغوب	۲۱۲/۰	-۰/۵۸	۵۱/۴	۲۶۵/۳	۳۷۱/۱
	دانه بلند پر محصول	۲۲۸/۱	-۰/۸۰	۳۹/۶	۲۳۲/۱	۱۴۶۹/۷
	دانه متوسط مرغوب	۱۹۴/۴	-۰/۵۲	۶۸/۷	۲۰۷/۳	۱۱۲۰/۵
	دانه کوتاه	۱۸۴/۳	-۰/۱۷	۱۲/۸	۲۴۰/۴	۳۴۹/۲

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۶. حمایت نهادهای ارقام عمده برنج استان مازندران در هکتار

(هزار ریال)

سال	نوع برنج	کود اوره	کود فسفات	سایر کودها	علفکشی	سایر سموم
۱۳۷۳	دانه بلند مرغوب	۶۲/۱	۷/۹	۱/۱	۴۵/۵	۶۸۸/۵
	دانه بلند پر محصول	۱۲۴/۵	۱۴/۲	۲/۶	۴۸/۴	۱۰۵۷/۲
	دانه متوسط مرغوب	۷۲/۴	۸/۹	۲/۱	۳۳/۷	۶۲۷/۸
	دانه کوتاه	۵۹/۴	۷/۲	۰	۱۹/۱	۱۹۸/۴
۱۳۷۴	دانه بلند مرغوب	۱۲۴/۳	۹/۳	۶/۶	۸۶/۱	۱۳۱۱/۱
	دانه بلند پر محصول	۲۳۳/۹	۱۵/۰	۸/۱	۸۶/۱	۱۸۶۵/۷
	دانه متوسط مرغوب	۱۳۲/۲	۹/۷	۳/۲	۷۰/۴	۱۱۹۶/۴
	دانه کوتاه	۱۷۹/۰	۱۱/۰	۰	۲۸/۷	۶۹۲/۲
۱۳۷۵	دانه بلند مرغوب	۱۴۹/۲	۸/۳	۶/۶	۱۸۱/۹	۹۷۱/۸
	دانه بلند پر محصول	۲۶۳/۳	۱۲/۴	۷/۶	۱۹۲/۹	۱۶۵۰/۳
	دانه متوسط مرغوب	۱۷۷/۷	۱۱/۳	۶/۱	۱۲۱/۳	۸۱۴/۲
	دانه کوتاه	۱۵۸/۳	۸/۴	۰	۸۸/۲	۵۶۴/۷
۱۳۷۶	دانه بلند مرغوب	۱۲۲/۱	۳/۶	۷/۲	۱۱۱/۳	۱۰۰۱/۰
	دانه بلند پر محصول	۲۰۳/۵	۴/۴	۴/۶	۱۱۱/۳	۱۷۴۵/۲
	دانه متوسط مرغوب	۱۹۸/۹	۴/۳	۶/۰	۸۴/۳	۱۱۰۸/۹
	دانه کوتاه	۱۱۳/۵	۳/۲	۰	۵۳/۹	۴۵۳/۹
۱۳۷۷	دانه بلند مرغوب	۱۲۶/۹	۱۴/۶	۸/۹	۱۲۰/۳	۱۷۰۵/۲
	دانه بلند پر محصول	۲۱۰/۷	۱۷/۶	۵/۷	۱۲۰/۳	۲۹۷۲/۹
	دانه متوسط مرغوب	۲۰۵/۹	۱۷/۱	۷/۴	۹۱/۱	۱۸۸۸/۹
	دانه کوتاه	۱۱۷/۵	۱۲/۹	۰	۵۸/۳	۷۷۳/۳
۱۳۷۸	دانه بلند مرغوب	۱۴۷/۹	۱۷/۶	۱۴/۷	۳۸۰/۴	۱۴۳۷/۱
	دانه بلند پر محصول	۳۱۲/۸	۲۸/۲	۱۷/۵	۳۵۸/۱	۲۳۱۲/۷
	دانه متوسط مرغوب	۲۲۷/۷	۱۹/۶	۷/۳	۲۳۴/۹	۷۹۷/۱
	دانه کوتاه	۱۴۴/۴	۱۴/۴	۰	۲۲۳/۸	۱۱۳۵/۲
۱۳۷۹	دانه بلند مرغوب	۱۸۸/۷	۵/۱	۱۹/۸	۳۶۰/۷	۱۵۶۷/۲
	دانه بلند پر محصول	۳۱۸/۱	۹/۳	۶/۷	۴۱۵/۴	۳۲۸۸/۳
	دانه متوسط مرغوب	۱۹۴/۴	۴/۹	۷/۳	۳۳۸/۹	۲۱۸۲/۹
	دانه کوتاه	۱۸۸/۹	۴/۱	۰	۱۹۶/۷	۴۳۳/۸
۱۳۸۰	دانه بلند مرغوب	۱۷۰/۷	-۱/۰	۱۷/۳	۲۹۸/۵	۱۸۳۳/۱
	دانه بلند پر محصول	۳۲۳/۸	-۱/۸	۸/۴	۲۰۷/۳	۳۲۶۶/۸
	دانه متوسط مرغوب	۱۹۲/۸	-۰/۹	۶/۴	۲۵۷/۰	۲۲۷۰/۰
	دانه کوتاه	۲۰۰/۵	-۰/۸	۰	۱۵۷/۵	۱۰۳۳/۲

مأخذ: محاسبات تحقیق

قبل از پرداختن به تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از محاسبه حمایت نهاده‌ای، باید گفت که نوسانهای قابل توجهی در حمایت نهاده‌ای ملاحظه می‌شود که عمدتاً مربوط به تغییر در مقدار مصرف نهاده‌ها در هکتار، نوسانهای قیمت وارداتی و قیمت داخلی نهاده‌ها و همچنین نرخ ارز در دوره مورد بررسی است. جدولهای ۵ و ۶ محاسبات مربوط به حمایت نهاده‌ای انواع کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات را به ترتیب در استانهای گیلان و مازندران نشان می‌دهد. مهمترین نتایج جدولها به طور خلاصه به شرح زیر است:

۱. استفاده از کود اوره در هر دو استان برای گروه برنج دانه بلند پرمحصول به مراتب بیشتر از گروه‌های دیگر بوده است. بدین ترتیب در هر دو استان برنج دانه بلند پرمحصول به ازای هر هکتار از حمایت نهاده‌ای بیشتری برخوردار بوده است. از آنجا که سطح زیر کشت این گروه در سالهای پایانی دوره مورد مطالعه در هر دو استان بویژه استان گیلان کاهش شدیدی داشته، در استان گیلان سهم این گروه از کل حمایت نهاده‌ای کود اوره (و همچنین یارانه این نهاده) بسیار کاهش یافته، اما در استان مازندران به دلیل سطح زیر کشت بیشتر این گروه، همچنان بیشترین سهم را از کل حمایت نهاده‌ای کود اوره به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، هر هکتار برنج دانه بلند مرغوب در استان گیلان هر چند در مقایسه با برنج دانه بلند پرمحصول از حمایت نهاده‌ای کمتری برخوردار بوده، اما به دلیل سطح زیر کشت غالب، سهم عمده حمایت نهاده‌ای (و همچنین یارانه) کود اوره نیز به این گروه اختصاص یافته است.

۲. مقایسه قیمت وارداتی کود اوره و فسفات بر حسب نرخ آزاد ارز با قیمت پرداختی کشاورزان برای این کودها نشان می‌دهد که فاصله قیمت جهانی کود اوره با قیمت پرداختی کشاورزان برای این کود بیشتر شده است که این به مفهوم بهره‌مندی کشاورزان از حمایت نهاده‌ای بیشتر است. در حالی که قیمت پرداختی کشاورزان برای کود فسفات به قیمت جهانی آن نزدیک شده و در سال پایانی قیمت داخلی بیشتر از قیمت جهانی نیز بوده است.

۳. برای هر هکتار برنجکاری در استان مازندران به مراتب کود فسفات بیشتری در مقایسه با استان گیلان مصرف شده و در هر دو استان برای برنج دانه بلند پرمحصول در مقایسه با سایر گروه‌ها کود فسفات بیشتری استفاده گردیده، لذا حمایت نهاده‌ای در هر هکتار برای این

... بررسی سیاستهای

گروه بیشتر از گروه‌های دیگر بوده است. در استان گیلان بیشترین سهم از حمایت نهادهای کود فسفاته به دلیل سطح زیرکشت زیاد، به برنج دانه بلند مرغوب و در استان مازندران نیز در بیشتر سالها به این نوع برنج اختصاص یافته است.

۴. سایر کودها، که شامل کودهای شیمیایی به غیر از کود اوره و فسفاته می‌شود، بسیار متنوع هستند. مصرف این گونه کودها در استان گیلان بیشتر از استان مازندران است. نکته مهم اینکه بر خلاف کودهای فسفاته و اوره، مصرف سایر کودها در گروه برنج دانه بلند مرغوب بیشتر از گروه برنج دانه بلند پرمحصول به ازای هر هکتار بوده است. در استان مازندران نیز در سالهای پایانی دوره (۱۳۷۶-۸۰) مصرف سایر کودها در هر هکتار برای گروه برنج دانه بلند مرغوب بیشتر از دیگر گروه‌ها و بدین ترتیب حمایت نهادهای از این گروه نیز بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است.

۵. مصرف سم علفکش در دو استان بسیار شبیه هم و در حدود ۳ لیتر در هر هکتار بوده است و تنها اختلاف مربوط به کاهش مصرف سم علفکش در گروه برنج دانه کوتاه در استان مازندران نسبت به سایر گروه‌ها بوده است. بدین ترتیب حمایت نهادهای برای تمام گروه‌ها به ازای هر هکتار تقریباً یکسان می‌باشد. از آنجا که سهم سطح زیرکشت برنج دانه بلند مرغوب به مراتب بیشتر از سایر گروه‌ها بوده، لذا این گروه سهم بالایی در جذب کل حمایت نهادهای سم علفکش داشته است.

۶. سایر سموم، که شامل قارچکش، حشره‌کش، ضد جوندگان و مواردی از این قبیل می‌باشد، در استان مازندران در مقایسه با استان گیلان بیشتر مصرف شده است. در هر دو استان مصرف سایر سموم در هکتار در گروه دانه بلند پرمحصول بیشتر از دیگر گروه‌ها بوده و کمترین سموم برای برنج دانه کوتاه مصرف شده است. بنابراین، حمایت نهادهای سایر سموم به ازای هر هکتار نیز در گروه برنج دانه بلند پرمحصول بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است. با توجه به سطح زیرکشت برنج دانه بلند مرغوب، در استان گیلان در تمامی سالها و در استان مازندران در بیشتر سالهای مورد بررسی، سهم این گروه از کل حمایت نهادهای سموم بیشتر از

پیشنهادهای و راهکارهای سیاستی

براساس نتایج این تحقیق، پیشنهادها و راهکارهای سیاستی زیر ارائه می‌شود:

- به طور کلی سیاستهای اعمال شده در مورد محصول برنج انسجام لازم نداشته، به نحوی که بعضی از سیاستها دارای سازگاری لازم با یکدیگر نبوده و یا در عمل در یک راستا قرار نگرفته‌اند. برای رسیدن به حمایت مؤثر، سیاستهای به اجرا گذاشته شده باید سازگاری لازم را با یکدیگر داشته باشند. این امر بویژه در شرایطی که بر استفاده همزمان از چندین سیاست تأکید می‌شود، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ چرا که لازم است سیاستهای مختلفی مثل قیمت تضمینی، قیمت اعتباری، تعرفه و یارانه نهاده‌ها دارای سازگاری درونی با هم باشند و در مجموع، تولیدکنندگان رابه سوی تأمین اهداف تعیین شده از طرف سیاستگذار راهنمایی کنند.
- نتایج نشان می‌دهد که تعرفه به عنوان یک ابزار حمایتی، تقریباً نقشی در حمایت از واردات به عهده نداشته است. افزایش نقش موانع غیرتعرفه‌ای و کمتر مؤثر بودن تعرفه، حرکت در جهت عکس موافقتنامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت را نشان می‌دهد که در راستای سیاست کلی پیوستن به این سازمان نیست. از این رو برای شفافیت بیشتر سیاستهای وارداتی باید از تعرفه به جای موانع غیرتعرفه‌ای استفاده کرد. در عین حال توجه به الزامات تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. در این خصوص لازم است معافیت‌های تعرفه‌ای ویژه در نظر گرفته شده برای افراد و مناطق مختلف نیز حذف شود، چرا که در غیر این صورت امکان تنظیم بازار با استفاده از ابزار تعرفه‌ای وجود نخواهد داشت.
- محاسبه حمایت قیمتی بازار نشان می‌دهد که از این نظر حمایت مثبتی از گروههای مختلف برنج تولید داخل بویژه گروه برنج دانه بلند مرغوب (همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد بخشی از این حمایت مثبت به دلیل منظور نکردن کیفیت برتر بعضی از گروه‌های برنج داخلی است) انجام می‌گیرد که با سیاست قیمت تضمینی همخوانی لازم را ندارد. بدین ترتیب معلوم می‌شود که برای حمایت از یک محصول می‌بایست مجموعه سیاستهای مؤثر مد نظر قرار

... بررسی سیاستهای

گیرد، زیرا تمرکز بر یک سیاست و به فراموشی سپردن سیاستهای دیگر رسیدن به اهداف را بسیار مشکل و حتی ناممکن می‌سازد. از سوی دیگر، تمرکز بر یک سیاست و بی‌توجهی به سایر سیاستها، موجب اخلاهای فراوانی نیز می‌شود ولی در صورت استفاده از مجموعه سیاستها، می‌توان اخلاها را به حداقل رساند.

- نتایج حاصل از حمایت نهادهای از گروه‌های عمده برنج نشان می‌دهد که در مورد بیشتر نهادهای مورد بررسی، برای هر هکتار از برنج دانه بلند پرمحصول مقدار نهاده بیشتری استفاده شده است که در نهایت حمایت نهادهای برای هر هکتار از این گروه بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است.

- بررسی جنبه حمایتی سیاستهای کشاورزی در مورد برنج در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که حمایت‌های گسترده‌ای از این محصول شده است. بدین منظور در حمایت مؤثر و هدفمند از تولید برنج در کشور به دلیل راهبردی بودن این محصول، جای هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. اما این موضوع به مفهوم تحمیل بار مالی سنگین بر دولت به منظور حمایت نیست، بلکه اتخاذ سیاستهای مناسب چندمنظوره، رسیدن به چنین هدفی را بدون تحمیل یارانه اضافی و هنگفت به دولت میسر می‌سازد.

منابع

۱. رازینی رحمانی، ابراهیم‌علی و همکاران (۱۳۸۱)، سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
۲. رحیمی، عباس (۱۳۷۶)، سیاست‌های حمایت از کشاورزی با تأکید بر بخش دام کشور، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۳. رفاهیت، هوشنگ و همکاران (۱۳۷۹)، بررسی روند حمایت از بخش کشاورزی و ارزیابی اثرات موافقت‌نامه کشاورزی، گزارش نهایی طرح تحقیقاتی، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۴. سلامی، حبیب‌اله (۱۳۷۷)، تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان

تجارت جهانی بر بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی ایران در مدل تعادل عمومی، گزارش طرح تحقیقاتی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. ۵. قربانی، احمد (۱۳۷۱)، بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران، برآورد نرخ مؤثر حمایت از بخش دامپروری ایران در مقایسه با صنایع مختلف، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

۶. کمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۰)، مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

7. OECD (2002), Agricultural policies in OECD countries, monitoring and evaluation, OECD.

8. OECD (2001), Agricultural policies in emerging and transition economics, special focus on non – tariff measure, OECD.

9. OECD (2001), Market effects of crop support measures, OECD.

10. Portugal, L. (2000), Methodology for measurement of support and use in policy evaluation, OECD.

11. Tizhoosh Taban, M.H. (1978), Protection and the cost of protection: a case study of Iran, PhD thesis, University of Lancaster.

12. USDA (2001), Rice situation and outlook yearbook, Economic Research Service RCS – 2001.